



حلول و ظهور نقد تحصیلی در مقاله «از کتابخانه و کتابداری تا مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی»

● دکتر احمد شعبانی

استاد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه اصفهان / shabania@edu.ui.ac.ir

● دکتر زهره میرحسینی

دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال / zmirhosseini@yahoo.com

چکیده

مقاله‌ای تحت عنوان «از کتابخانه و کتابداری تا مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی» در شماره ۱۱ (پاییز ۱۳۹۵) فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات به قلم دکتر مرتضی کوبکی استاد بازنشسته دانشگاه شهیدچمران چاپ شده است. این مقاله در دو وجه محتوایی و ساختاری، کتاب مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی تألیف احمد شعبانی و زهره میرحسینی را واکاوی کرده است. مقاله حاضر ضمن بررسی تحلیلی جایگاه کتاب مزبور برای دانشجویان این رشته، تغییر در نگرش‌های تاریخی، چگونگی شیوه‌های ارائه مطالب و استفاده از منابع جدید، جنبه‌های مورد اختلاف در نگاه و سلیقه مؤلفان و ناقد را به‌نحو مختصر شرح می‌دهد.

کلیدواژه

علم اطلاعات، دانش‌شناسی، کتابداری، علوم اطلاع‌رسانی، نقد بر نقد، مرتضی کوبکی.

۱. مقدمه

مقاله‌ای ارزشمند تحت عنوان «از کتابخانه و کتابداری تا مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناختی» از دکتر مرتضی کوبکی استاد بازنشسته گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهیدچمران در سال سوم، شماره ۱۱ (پاییز ۱۳۹۵) صفحه‌های ۵-۱۴ چاپ شده که نمایانگر برخی از اختلافات در دیدگاه‌های ناقد و نویسندگان در نگارش کتاب مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی تألیف احمد

شعبانی و زهره میرحسینی است. در چند کلام ذیل، نه به دفاع از کتاب، بلکه برای آشکارسازی برخی سخنان آن مقاله به تلخیص بر مواردی چند تأکید می‌شود:

- مقاله منتقد مبتنی بر ۳ بخش است: مقدمه، ایرادهای محتوایی و ایرادهای ساختاری. در بخش مقدمه، مشابهت و تقارن فهرست مندرجات کتاب حاضر با متن همکار فقید دکتر علی مزینانی موسوم به کتابخانه و کتابداری نشان داده شده و عنوان شده که طبع کتاب برای جامعه کتابداری نه به دلیل گذر زمان، تغییرات و دگرگونی‌ها، بلکه به علت تغییر نام رشته و وفات نویسنده کتابخانه و کتابداری صورت پذیرفته است. هرچند، یاد و خاطره روان شاد علی مزینانی برای نویسندگان زنده و جاوید است و ابتدا نیز تقاضای نویسندگان مبتنی بر ویرایش اثر بود، لیکن دگرگونی‌های جامعه کتابداری و توسعه منابع جدید در دو دهه اخیر به انضمام رویکرد نظری در مطالب مقدماتی و تاریخی موجب شد تا تألیف جدیدی شکل گیرد که اولاً از جنبه محتوا سعی دارد، مراتب نسبت به اثر پیشین محدودتر و از منظر انتقال موضوعی در ساعات درسی سرعت بیشتری داشته باشد؛ ثانیاً توازن موضوعی فصل‌های مختلف رعایت شود. ضمن این‌که مؤلفان خود را ملزم به رعایت اخلاق نویسنده متقدم (علی مزینانی) دانسته و در مواردی مطلوب به اثر نام‌برده ارجاع داده‌اند.

در همان بخش مقدمه مقاله ادعا شده که موضوعات هر دو کتاب همسان است؛ البته هم ناقد و هم مخاطب خبره می‌داند که نویسندگان کتاب درسی مقرر به رعایت مفاد برنامه‌ریزی آموزشی کمیته‌های متفاوت موجود در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هستند و طبیعتاً همپوشانی فصل‌ها و اجزاء این‌گونه متون، نه یک عیب، بلکه حسن است؛ مثلاً کافی است به انواع کتاب‌های درسی متون آموزشی مانند آمار، روش تحقیق یا تاریخ یک سلسله نوشته‌شده رجوع شود تا درستی این مسئله مشخص گردد. لیکن دگرگونی در ماهیت ارائه محتوا صورت می‌پذیرد. در تداوم همین مطلب، جمله‌ای آمده که شاید به جهت تعجیل در نگارش مقاله مرقوم شده باشد: «اگرچه کتاب مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی چاپ اول است و در صفحه‌های مقدماتی آن و اصولاً جز یک‌بار در فهرست منابع کتاب، در جای دیگری از آن، به کتاب کتابخانه و کتابداری اشاره‌ای نشده است» (کوکبی، ۱۳۹۵: ۶) در کتاب حاضر نه تنها در بخش‌های مورد تذکر منتقد، بلکه در جای‌جای اثر، به‌منظور ذکر و خاطره علی مزینانی در این اثر از آن کتاب نقل قول ضبط شده، از جمله کافی است به موارد ذیل در کتاب مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی رجوع شود تا نام همکار متقدم مشاهده گردد: ص ۳۲، ص ۳۳، ص ۴۶، ص ۱۵۴، ص ۱۵۵ و ص ۱۵۸.

از منظر سطح کتاب نیز ناقد محترم به بخش تبلیغی اثر رجوع می‌کند و مدعی

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۵
پاییز ۱۳۹۶

۱۱۲

می‌شود که «سخن سمت» کتاب را به‌عنوان منبع درسی مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد قلمداد کرده‌است (کوکبی، ۱۳۹۵: ۶-۷) و در نتیجه‌گیری مقاله پیشنهاد داده که «بهتر است که این متن برای دو مقطع، جداگانه چاپ شود» (همان: ۱۴). اجازه دهید اظهارنظر نویسندگان به‌نقل از پیشگفتار بیان شود: «متن برای درس مبانی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مقطع کارشناسی رشته‌های مرتبط، همچنین برای دانشجویان کارشناسی‌ارشد، دستداران و پژوهشگران علاقه‌مند به موضوع کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی مفید است» (احمد شعبانی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲). البته بدیهی است که به‌درستی تأکید جمله بر دانشجویان کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی است و ازسوی مقاله، «دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دستداران و پژوهشگران علاقه‌مند به موضوع کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی» منتسب به دانشجویان کارشناسی‌ارشد این رشته شده و ذهن مخاطب مقاله را با تردید و ابهام مواجه ساخته که ناشی از عدم دقت در مطالعه اثر است؛ زیرا کاملاً آشکار است که کتاب برای دانشجویان کارشناسی‌ارشد دیگر رشته‌ها (مانند رشته برنامه‌ریزی فرهنگی) کاملاً مفید و قابل استفاده است.

- نخستین مبحث در نقد ایراد محتوایی بر متن کتاب با این جملات آغاز شده: «یکی از ایرادهای اساسی... نظم بعضاً بهم‌ریخته آن است. برای نمونه، مطالب کتاب و سیر تحول خط بعد از مطالب مربوط به مفاهیم کتاب، کتابخانه و بنیادهای فلسفی ... آمده‌است. اگر بپذیریم که نخست خط پدید آمده و پس از آن کتابت که موجب پیدایش موارد مکتوب شده... پس باید جای فصل‌های اول و دوم عوض شود (کوکبی، ۱۳۹۵: ۸). همان‌طور که عیان است، کتاب‌های موجود در معرفی و مقدمات رشته مشتمل بر همکاران متقدم ابرامی (۱۳۵۵ و ۱۳۷۹)، مزینانی (۱۳۷۹) و رهادوست (۱۳۸۶) کم‌وبیش مطالب و موضوعات مقدماتی را با تاریخ آغاز کرده و این کتاب جایگاه اندیشه و فلسفه را برتر از مصداق‌ها و حوادث جزئی پنداشته‌است؛ زیرا بر این دیدگاه بوده که اندیشه و فلسفه حب حکمت است، دوست داشتن دانایی، رفعت دانشجویی است و فلسفه یعنی جویندگی دانش. درحالی‌که تاریخ، روایت گذشته است، فلسفه مقید به زمان نیست و از ماورای زمان و حتی قبل از زمان صحبت می‌کند (مجتهدی، ۱۳۹۶: ۱۰۰). فلسفه مطلبی را بیان می‌کند که در طی زمان منحل نشود، بلکه به‌دنبال حقیقت است، چنان‌چه کتابدار و رشته کتابداری باید این مسیر را درنوردد. درحالی‌که تاریخ جزئی‌نگر است و وقایع جزئی کلیت ندارد و زودگذرند. تاریخ با فجایع مواجه است و روح را آزرده می‌سازد؛ بدون آن که به تأمل درباب اندیشه تأکید داشته باشد. چنین است که فوکو در تولد زیست سیاست مطالب خود را از معنا و روش‌شناسی آغاز می‌کند و به‌درستی آورده که «تاریخ‌گرایی از امر جهان‌شمول آغاز می‌کند و چنان‌که بوده، آن را به آسیاب

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۵
پاییز ۱۳۹۶

۱۱۳

تاریخ می‌سپارد. مسئله من دقیقاً خلاف این است. من از رأی نظری... آغاز می‌کنم که قائم برای سخن است: «قبول کنیم که جهان شمول‌ها وجود ندارند» (فوکو، ۱۳۸۹: ۱۱). به این ترتیب در سرآغاز درس و با دانشجوی کتابداری این عهدوپیمان بسته می‌شود که جهان شمول‌ها را به پرسش می‌گیریم، زیرا بر این فکر و اندیشه هستیم که دانشجوی فعلی باید فراتر از موضوعات تاریخی به اندیشه وادار شود و معنا را برگزیند. به عبارتی، کتاب با فلسفه شروع شد تا دانشجو به تفکر وادار شود و نه به تاریخ.

- در خصوص حدود مرزهایی که از تعریف‌ها، اصطلاحات، اهداف، کارکردهای علم اطلاعات، اطلاع‌رسانی، علوم اطلاع‌رسانی، علم اطلاعات و مواردی از این قبیل مطرح بوده، به نحو بدیهی اندیشه‌های متفاوت همکاران در نوشته‌های گوناگون مورد نظر بوده و به آن‌ها توجه دقیق شده و در حقیقت به نحو مستقیم و غیرمستقیم از این موارد استفاده شده است؛ لیکن موضوع اصلی به ماهیت و رویکرد متن مرتبط است که از تعریف‌های تحلیلی که با فراغ خاطر سعی دارد ذهن دانشجو را شکل دهد، احتراز جسته و در مقابل به معنا، مفهوم، توصیف و به کلامی آشکار درآمیخته است؛ به این ترتیب، تعریف‌ها نه از طریق مطابقت معادل واژگانی و نه از طریق ارائه داده‌های کمی، بلکه با توجه به جایگاه اصطلاح در متن زندگی حرفه‌ای و متون تخصصی و نقش آن در باب دلالت‌ها و اهمیت تاریخی و اجتماعی و دلالت‌گرهای اصطلاحات مورد توجه واقع شده است.

- از ایرادهای ناقد، بر متن موجود استفاده از واژگان دارای بار عاطفی است. بر این مبنا توصیف‌های «جمع‌بندی هوشمندانه» و «کتاب مختصر و دل‌چسب» را نشانه‌ای از این موضوع دانسته‌اند (کوکبی، ۱۳۹۵: ۱۰)؛ اما اجازه دهید درباره پیشنهاد ایشان مبتنی بر عدم استفاده از این واژگان در متون علمی و جنبه‌های بار عاطفی را تأمل کنیم تا آشکار شود که ابواب مزبور در فلسفه زبان جاری نسبت به قرن بیستم میلادی جایگاهی دگرگونه یافته است. این پرسش وجود دارد که موارد مزبور تا چه حد می‌توانند حامل موضوعات ذوقی باشد؟ فلاسفه زبان معتقدند که دو چیز را نباید با هم خلط کرد: ۱. بار عاطفی کلمات؛ ۲. مبحث ارزشی مفاهیم. هر واژه‌ای در زبان معنایی دارد. واژه‌های بی‌معنا متضاد یا پارادوکسیکال است. بیشتر واژه‌ها علاوه بر بار معنایی بار عاطفی هم دارند، اما مفاهیم ارزشی مفهیمی هستند که بار معنایی آن‌ها همان بار ارزشی آن‌هاست و مصداق خاصی هم ندارند. این مفاهیم ارزشی، وقتی بار عاطفی‌شان را از دست بدهند، دیگر چیزی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. برای مصادیق مفاهیم ارزشی می‌توان تنوعی برشمرد: مفاهیم ارزشی اخلاقی، مفاهیم ارزشی دینی، مفاهیم ارزشی آیینی از آداب و رسوم، مفاهیم ارزشی زیبایی‌شناسی و مفاهیم ارزشی مصلحت‌اندیشانه (ملکیان، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶). وقتی

فصلنامه نقد کتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطاتسال چهارم، شماره ۱۵
پاییز ۱۳۹۶

۱۱۴

مثلاً می‌گوییم این کار خوب است یا آن عمل زشت است، به‌واقع جنبهٔ ارزشی به جمله داده‌ایم. برخلاف آن متن علمی نمی‌تواند پارادوکسیکال باشد، زیرا متن علمی سوگیری دارد و رغبت‌برانگیز است؛ مثلاً یک زیست‌شناس یا روان‌شناس به جنبه‌هایی از علم خود اعتقاد دارد. در متن کتاب در حاشیهٔ این موضوع، درباب رویارویی با متن آموزشی ضروری است به روش تبیین عمل انسانی برای پژوهشگر یا هدایت مصنف از سوی استاد درس نیز توجه شود. پارسنز می‌گوید برای تبیین عمل انسانی (که در کتاب مبتنی بر جملات ذکر شده) باید نگرش را نیز لحاظ کرد و نگرش یعنی مجموعه‌ای از عوامل معرفتی، احساسی، عاطفی و هیجانی. این نوع تبیین معتقد است کنش آدمی را نگرش‌ها رقم می‌زنند و شکل می‌دهند؛ بنابراین مؤلفان کتاب سعی داشته‌اند تا دانشجوی مخاطب را به کنش وادارند. در کتاب موردنقد بیان شده که «کتاب مبانی فلسفهٔ کتابداری آموزشی دل‌چسب و مختصر بوده تا دانشجو ترغیب به خواندن کتاب شود». اولاً مختصر بودن جنبهٔ معرفتی دارد نه عاطفی؛ ثانیاً منتقد می‌گوید این قضاوت شخصی است و جایی در یک متن علمی ندارد؛ زیرا چگونه این کتاب مختصر است؟ البته، همگان دانسته و ندانسته می‌دانند که کتاب یادشده از نظر حجم در چه حد و اندازه‌ای است. برچین مبنایی، این که متن کتاب کرایست مختصر بوده، به‌واقع توصیف رغبت‌برانگیزی را برای مطالعهٔ بیشتر دانشجو ارائه داده‌است یا بیان شده متن هوشمندانهٔ رابین (که توسط دکتر محمدحسین دیانی ویرایش و چاپ شده و در مقاله به‌اغماض دربارهٔ آثار نام‌برده متهم شده‌ایم) چه بار عاطفی را انتقال می‌دهد. اگر استفاده از واژگان پارادوکسیکال در متن مقصود باشد که پیچش زبان فرایند عاطفی نخواهد داشت و متن فاقد جنبه‌های تأویلی و تفهیمی خواهد بود و اگر کتاب رابین هوشمندانه نبوده، چگونه ویراستار محترم اجازه می‌داد که نام وی زینت‌بخش جلد اثر شود؟ پس واژه‌هایی چون مختصر، بلند، کوتاه، هوشمندانه و جاهل را جزء جنبه‌های عاطفی قلمداد کنیم یا تبیین نگرشی یا معرفتی؟

- هرچند ناقد، به‌عیان دربارهٔ موضوعات حاشیه‌ای در مقاله سخن رانده و مدعی شده چرا از برخی نام‌آوران کتابداری مأخذی گنجانده نشده و به‌وضوح آورده که «درمورد دیانی، نبود حتی یک عنوان از آثار او در فهرست منابع کتاب است». آشکار است که از کتاب رابین در صفحه‌های ۸، ۱۶ و ۱۹ و در صفحه‌های دیگر کتاب استفاده شده‌است. به‌این ترتیب، رویهٔ خود را تداوم می‌بخشد و می‌گوید: «چرا از بانوی بزرگ سازماندهی اطلاعات ایران... نامی برده نشده‌است؟» که در حقیقت بخش فراهم‌آوری و سازماندهی اطلاعات با استفاده از آثار و استناد روان‌شاد پوری سلطانی در صفحه‌های ۱۵۳ تا ۱۵۹ نوشته شده و حداقل ۴ مورد ارجاع به مأخذ نام‌برده در همین صفحه‌ها از وی درج شده‌است. ناقد در ادامه می‌افزاید: «افشار

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات
وابتباطات

سال چهارم، شماره ۱۵
پاییز ۱۳۹۶

۱۱۵

مزیتی دیگر نیز در این کتاب دارد: «او تنها کسی است که در پرسش‌های انتهای فصل پرسشی را به خود اختصاص داده‌است» (کوکبی، ۱۳۹۵: ۱۰) و سپس با علامت تعجب جمله خود را خاتمه می‌دهد.

کافی است یادآور شود که برای برخی پیشگامان، حجم و گنجایشی به‌قرار ذیل در نظر گرفته شده‌است: ادواردز، ۱۴ خط؛ کاتر، ۱۲ خط؛ دیویی، ۲۵ خط و یک عکس؛ اتله، ۱۳ خط؛ برادفورد، ۱۳ خط؛ رانگاناتان، ۲۲ خط و یک عکس؛ آزاد، ۷ خط و حری، ۱۴ خط. چنان‌چه عیان است دکتر حری در متن نسبت به تمام پیشگامان غربی (به‌غیراز دیویی و رانگاناتان) مرجح انگاشته شده‌است؛ ضمن این‌که به‌جهت نثر روان اسدالله آزاد نقل‌قول‌های مستقیم چندی درج شده که از باب نمونه در صفحه ۱۵ و ۱۷ کتاب مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی حدود ۱۲ خط ذکر شده و مجموعاً ۱۹ خط به نام‌برده تخصیص یافته‌است که در بخش دیگری از مقاله به تکه چسبانی از سوی ناقد ارجمند متهم شده‌ایم، درحالی‌که سعی شده از نقل‌قول مستقیم نسبت به برخی بزرگوران و ازجمله صاحبان نثر روان استفاده شود.

- از روش‌های مقاله یادشده، دیدگاه سلبی و انتقادات غیرعملی است که ذهن مخاطب را آزار می‌دهد؛ مثلاً برای پیشگامان می‌گوید، چرا نام برخی از افراد درقیدحیات ایرانی نیامده‌است، درحالی‌که تنظیم کتاب مبتنی بر انتظام و همسانی بوده؛ انتظام به‌معنای محدودیت محتوا و صفحه‌ها و همسانی به‌معنای ذکر پیشگامان متوفی است؛ حال چنان‌چه پیشگامان درقیدحیات خارجی و ایرانی درج می‌شد، به‌واقع پیشنهادی خارج از تصور در تنظیم و کنترل صفحه‌ها بود. همچنین برای تذکر نوارهای مغناطیسی و صفحه‌های نوری اعتراض شده که به چه دلیل در گونه‌های نوشتاری عصر صنعتی آمده‌اند و موضوع مرز و حدود سنوات را در تقسیم‌بندی موجود، بر یادگیری دانشجو رجحان نهاده‌است یا متأثر از نحله تحصیلی سعی دارد عنان قلم نویسنده را محدود کند و بین وظایف کتابخانه و علم اطلاعات تفاوت قائل شود؛ همه این موارد مبین راهکارهایی است که ناقد به نویسندگان پیشنهاد می‌دهد.

- درباره موضوعات محتوایی، سوای مطلب مقاله انتقادی، حاشیه‌ای آورده تا حسن اثر به‌اختصار تذکر داده شود. هرچند نویسندگان مختلف در درس مبانی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، به‌راحتی با موضوعات مفهومی مواجه شده و با شجاعت به ترجمان و اندیشه به بیان مباحث فلسفی مبادرت کرده‌اند، لیکن تمامی کتاب‌های این حوزه بعد از انقلاب اسلامی ایران در زمینه مباحث تاریخی و رویدادهای تاریخ کتابداری را حداقل به‌نوعی تلخیص‌گونه تنزل داده‌اند. تاریخ، فن یا علم دشواری است مشحون از جزئیات و حداقل هیچ‌یک از همکاران متقدم،

مطالعات مصداقی در این حوزه نداشته و خود نیز مدعی نبوده‌اند؛ زیرا مصداق‌ها شرایطی دارد که به زمان و تبحر و علاقه خاصی منتهی است؛ هر چند مفهوم واحد است و مصداق کثیر؛ مفهوم به‌نحوی متجانس است و مصداق غیرمتجانس؛ مفهوم بسیط است و مصداق مرکب؛ لیکن مفهوم صرفاً ذهنی و غیرمحسوس است و مصداق کاملاً عینی و محسوس؛ مفهوم انتزاعی است و مصداق انضمامی؛ پژوهشگر باید دانش کاملی از مصداق‌ها فراهم آورد؛ چنان‌چه در کتاب حاضر که سخن محدودی را به مطالب تاریخی تخصیص داده، چنین همتی صورت پذیرفته است.

فصلنامه نقدکتاب

اطلاع‌رسانی
و ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۵
پاییز ۱۳۹۶

۱۱۷

- منتقد در ادامه ضمن اشاره به برخی اشتباه‌های هجایی، نادرستی‌های علامت‌گذاری و ترتیب مآخذ، به پرسش‌هایی اشاره می‌کند که در متن نیست؛ مثلاً پرسش اول، ص ۱۶۷، درباره تفاوت میان کتابخانه و مراکز اطلاع‌رسانی است و خود پاسخ می‌دهد که «این تفاوت در فصل مربوط توضیح داده نشده است؛ زیرا این تفاوت اصولاً چندان روشن و واضح نیست» (همان: ۱۲) که با مراجعه به صفحه مربوطه و تمام فصل مرتبط چنین سؤالی طرح نشده و موضوع به اشتراک این دو نوع ابزار آموزشی مرتبط است. یا در ادامه بیان شده است: «فهرست منابع کتاب... مبتنی بر روش APA نیست» (همان: ۱۴).

- بدیهی است مقاله «از کتابخانه تا کتابداری تا مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی» حاوی نکات ارزشمندی از دریافت مطالب و برایشی، مطابقت نام‌های خارجی با هجای فارسی و معادل واژه‌های لاتین برای نویسندگان بود؛ کم‌وبیش همان راهی که نویسندگان تحصیلی دنبال می‌کنند، ولی باید در نظر گرفت که پیشنهاد‌های نویسنده و نقد و نگاه آرمانی وی به تألیف، آن کتاب را به کدام سو می‌برد.

- بخش ابتدایی کتاب از فصل «کتاب و سیر خط» آغاز شده تا انتظام موضوعات تاریخی حفظ شود. به این ترتیب، فکر دانشجو باید مبتنی بر نظم تاریخ‌مند شکل گیرد؛ نه نظم عقلانی (در حالی که دیدگاه مؤلفان برعکس بوده است).

- تمام نکات در باب مفاهیم «علم اطلاعات»، «اطلاع‌رسانی» و «علوم اطلاع‌رسانی» به صورت تعریف‌های طبقه‌بندی شده در اختیار دانشجو قرار گیرد و از جنبه‌های متناقض و تحلیلی پرهیز شود.

- بخش پیشگامان فارسی (و چرا اغماض نسبت به پیشگامان خارجی؟) به حد کافی گسترده شود و در حد مطلوب خدمات آن‌ها همراه با عکس‌های مناسب برای دانشجو درج شود.

- به مآخذ پیشکسوتان قدیمی رشته اهمیت بیشتری داده شود؛ مثلاً اگر قرار است در خصوص مجموعه‌سازی، فهرست‌نویسی و روش تحقیق صحبت شود، نه به متون روزآمد، آثاری را که در دهه ۶۰ یا در نهایت ۷۰ شمسی چاپ شده، ترجیح

دهند (آن هم با موجودبودن ویرایش‌های جدید در این موضوعات).
 - از بیان واژه‌ها و جمله‌های معرفتی اجتناب شود و همواره باید متن را خنثی و بدون ترغیب خودآموزی دانشجو نوشت (نویسندگان کتاب معتقدند ترغیب خودآموزی در روش‌های یاددهی-یادگیری فعلی بسیار مهم است).
 - مباحث شکلی مهم‌تر است و یادگیری باید در مرتبه بعد قرار گیرد؛ مثلاً نکهت‌کوتاهی از مباحث نوارهای مغناطیسی و صفحه‌های نوری را از محل مرتبط موضوعی جدا کنید و با توجه به موضوع همسان به فصل بعدی انتقال دهید.

نتیجه‌گیری

از آن دوره که در فرانسه دکارت روش جدید خود را در کاربرد عقل پیشنهاد کرد (مبنی بر اینکه از عقل ریاضی در حل موضوعات استفاده شود و برحسب این‌گونه عقل بر عالم طبیعت سلطه حاصل شود)، نوع درک انسان از سوی برخی اندیشمندان متناهی و محدود انگاشته و سعی شد همین رویه در تعلیم و تربیت و یقین علمی در شکل تحصیلی به کار آید. این که ذهن محدود است و ذهنیت دانشجو باید در قالب‌های صوری فراهم آید، نوعی عملکرد انفعالی است که متون درسی دهه‌های پیشین ما را شکل داده و نیازمند بازنگری و تجدید نوشتار مبتنی بر شیوه‌های نوین است؛ در این راستا کمیته‌های برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید به جنبه‌های ادراکی در تدوین و توسعه منابع درسی توجه کنند و بر آن تأکید ورزند. نگرش کتاب موردنقد به همین دیدگاه عنایت داشته و فراتر از جنبه‌های صوری و شکلی به موضوعات توجه نموده است.

منابع

- شعبانی، احمد و زهره میرحسینی. (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی، تهران، سمت.
- فوکو، میشل. (۱۳۸۹)، تولد زیست سیاست: درس گفتارهای کلژ دوفرانس، ۱۹۷۸-۱۹۷۹، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران، نشر نی.
- کوبکی، مرتضی. (۱۳۹۵)، «از کتابخانه و کتابداری تا مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی: نقدی بر کتاب مقدمه‌ای بر علم اطلاعات و دانش‌شناسی»، فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، س سوم، ش ۱۱، ص ۵-۱۴.
- مجتهدی، کریم. (۱۳۹۶)، فیلسوف دانشجو است، تهران، نشر کرگدن.
- ملکیان، مصطفی. (سال تدریس: ۱۳۹۳)، مبانی فلسفی علوم انسانی، تهران، بی‌نا، (سلسله جزوه‌های درس گفتاری).